

پیش‌گویی جنگ‌های آخرالزمانی

میتریه، موعود منجی در آیین بوداست که متون مقدس همه سنت‌های بودایی، آمدن او را پیش‌گویی کرده‌اند.



میتریه، موعود منجی در آیین بوداست که متون مقدس همه سنت‌های بودایی، آمدن او را پیش‌گویی کرده‌اند.

چکیده

میتریه، موعود منجی در آیین بوداست که متون مقدس همه سنت‌های بودایی، آمدن او را پیش‌گویی کرده‌اند. اصل و اساس این پیش‌گویی‌ها به سخنان بودا در سه سبد کانون پالی بازگشت می‌کند، اما در طی زمان، در هریک از سنت‌های بودایی ویژگی‌هایی پیدا کرده است که در سنت‌های دیگر دیده نمی‌شود. از همین رو، اهمیت و جایگاه امروزی میتریه در هر یک از سنت‌های بودایی نیز متفاوت شده است. موعودگرایی آیین بودای تبتی به دلیل تأخر زمانی و تأثیرپذیری از آیین هندو، گاهی موضوعاتی مانند رویارویی با ادیان ابراهیمی، به‌ویژه اسلام را در خود دارد که مورد توجه بسیار شرق‌شناسان نیز قرار گرفته است.

همچنین از آن‌جا که میتریه با مسئله حکومت جهانی آینده در پیوند است، تأکید دالایی لامای چهاردهم - رهبر سیاسی و مذهبی آیین بودای تبت - بر احیای نام میتریه و ساخت بزرگ‌ترین تندیس از میتریه در شهر «بودگیا»ی هند - که طبق نقل تاریخ، بودا در آن‌جا به اشراق رسید - از نظر مذهبی و سیاسی اهمیتی ویژه پیدا می‌کند. نوشتار حاضر ابتدا جایگاه میتریه در سنت تبتی و ویژگی‌های خاص آن را بررسی می‌کند و سپس به علل اصلی گرایش به احیای مجدد آن در تبت می‌پردازد.

مقدمه

از سال 1990 در شهر بودگیای کوشیناگار از ایالت اوتارپرادش هند، جایی که گفته می‌شود بودا در آن‌جا به بیداری رسید، مجسمه‌ای به ارتفاع 152 متر در حال ساخت است که قرار است به نماد صلح جهانی تبدیل شود. این مجسمه، مجسمه بودا نیست، بلکه مجسمه میتریه، بودای آینده است که همه سنت‌های بودایی، او را به عنوان منجی موعود در آخرالزمان معرفی کرده‌اند. طرح ساخت این مجسمه، مورد حمایت برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته و به پروژه میتریه معروف است.

مدیران ساخت این مجسمه که طرح‌های اولیه آن را به شرکت‌های امریکایی سفارش داده‌اند، استادان آیین بودای تبتی هستند که پس از اشغال تبت توسط چین به هند رفته

و در آن‌جا زندگی می‌کنند. دالایی لاما، رهبر این بوداییان در تبعید است که از ساخت

این مجسمه پشتیبانی کرده و بر احیای اندیشه میتریه - بودای آینده - در عصر حاضر تأکید نموده است.

برای مشخص شدن میزان اهمیت موعودگرایی در آیین بودای تبتی و نیز بررسی منافی که از احیای این اندیشه برای بوداییان تبعیدی در هند به دست خواهد آمد، ناگزیر باید به اختصار، ابتدا به جایگاه آیین بودای تبتی در میان سنت‌های دیگر آیین بودا و منجی موعود در متون مقدس و فرهنگ آیین بودای تبتی بپردازیم، سپس علل سیاسی و دینی احیای این آموزه را بررسی کنیم.

آیین بودا و سنت‌های اصلی

تحقیقات اخیر نشان داده است که زمان زندگی بودا در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد، و مکان زندگی او در جایی نزدیک مرز شمال هند و نپال امروزی بوده است (هینلز، 1384: 23). نام اصلی بودا سیدارته گئوته بود که در جوانی در جست‌وجوی حقیقت زندگی، قصر پدر را ترک گفت و به گروهی مرتاض پیوست. ادعای سیدارته این بود که موفق شده است از طریق مراقبه رهایی را برای رهایی از چرخه تناسخ (= سنساره) و رسیدن به بیداری درون، روشن‌شدگی و نیروان پیدا کند.

«بودا» لقبی است که پس از رسیدن به بیداری درون به سیدارته داده شد. اصلی‌ترین آموزه بودا به چهار حقیقت جلیل معروف است که عبارتند از: حقیقت رنج، حقیقت ریشه رنج، حقیقت فناپذیری رنج، و حقیقت راهی که به توقف رنج می‌انجامد. اما حقیقت راهی که به توقف رنج منتهی می‌شود، خود راهی هشت‌گانه است که عبارتند از: بینش درست، توجه درست، گفتار درست، رفتار درست، معاش درست، تلاش درست، آگاهی درست، و درون‌نگری (مدی‌تیشن) درست، که هر یک از این اصطلاحات باید مطابق با آنچه که در آیین بودا تعریف شده، توضیح داده شوند (Anderson, 2004: 296).

آیین بودا در هند متولد شد و ابتدا به سری‌لانکا و سپس در حدود قرن اول میلادی به چین، و از طریق چین به تمامی

کشورهای جنوب شرق آسیا رسید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد آیین بودا از قرن هشتم در خود هند رو به افول گذاشت، ولی با ورود اسلام به هند در قرن یازدهم این افول شدت گرفت (Elverskog, 2010: 3). امروزه، آیین بودا دو مکتب اصلی به نام‌های هینه‌یانه و مه‌یانه دارد که هر یک از آن‌ها نیز به فرقه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. هینه‌یانه لقب تحقیرآمیزی است که سنت مه‌یانه به تیره‌واده‌ها داده است تا بگوید آن‌ها مکتب کاملی ندارند. امروزه آیین بودای تیره‌واده در سری‌لانکا، تایلند، برمه، لاوس و کامبوج جریان دارد.

آیین بودای مه‌یانه، خود دو نوع کلی دارد؛ یعنی مه‌یانه شرق آسیا که در چین، ژاپن، ویتنام و کره جریان دارد و نوعی آیین بودای خاص فهم به نام وجره‌یانه در تبت، مغولستان، نپال و بخشی از نواحی چین و کشورهای آسیای مرکزی. آیین بودای تبتی که نام دیگر وجره‌یانه است، در اصل از آیین بودای مه‌یانه منشعب شده و اندیشه بوداسفی را پذیرفته، اما با عقاید بومی تبت در آمیخته و ماهیت ویژه‌ای پیدا کرده است. آیین بودا به هر سرزمینی که وارد شده، با ادیان بومی، فرهنگ و آیین‌های محلی آن سرزمین ترکیب شده و با برخی از آن‌ها مانند احترام به ارواح نیاکان یا عقیده به خدایان (دئوها) به سازگاری رسیده است. نام دیگر آیین بودای تبتی، «وجره‌یانه» است که زیرمجموعه مه‌یانه به شمار می‌آید، اما به دلیل اهمیتی که امروزه پیدا کرده است، گاهی وجره‌یانه را قسم هینه‌یانه و مه‌یانه می‌شمارند. وجره‌یانه، شکلی ویژه از آموزه‌های بودایی است که دین غالب مردم تبت و برخی نواحی مجاور آن را تشکیل می‌دهد.

معنای مشهور وجره‌یانه، «راه الماس» است؛ بدین معنا که این راه، همانند الماسی سخت، موانع نجات و رهایی را از پیش روی رهرو بودایی برمی‌دارد. آیین بودای تبت به دنبال رهایی از چرخه سنساره یا تناسخ از دو راه مناسک و انجام مراقبه است و کرمه‌های بد را دلیل گرفتاری بشر در چرخه سنساره می‌داند. آنچه رهرو دین بودایی را به

رهایی می‌رساند، خلوص و صفای باطن است. بوداییان وجره‌یانی، گرچه خود را پیرو بودای تاریخی، سیدارته گئومه می‌دانند، اما عقاید و مناسک آنان با آموزه‌های اولیه بودا و دیگر سنت‌های بودایی تفاوت‌هایی آشکار دارد. در آیین بودای اولیه، اعتقاد به خدا مطرح نیست، اما در وجره‌یانه انبوهی از خدایان، بوداها و بوداسف‌ها پرستش می‌شوند. بودای تاریخی، وجود روح و نفس (آتمن) را نفی کرد، ولی وجره‌یانه به وجود نوعی خود درونی و حتی ارواح نیاکان اعتقاد داشته و به آنان احترام می‌گذارد.

در وجره‌یانه ارزش مناسک و شعایر دینی معادل عمل مراقبه (مدی‌تیشن) است و همچنین در این آیین، کتاب مقدس و لاما (=استاد) هر دو اهمیت یکسانی دارند و حتی اهمیت تجربه روشن‌شدگی استاد بیش از تصریحات متن مقدس است و از این‌رو، شجره‌نامه انتساب استادان به دو بوداسف میتریه و منجوشری، اهمیتی ویژه دارد. پس از اشغال تبت توسط چین کمونیست در اواسط قرن بیستم و مهاجرت دالایی لامای چهاردهم به هند و سپس رابطه نزدیک او با غرب، این نوع از آیین بودا به خوبی به غربیان معرفی شده است و گاهی آن را به نام لامائیسم می‌شناسند. میتریه در سنت‌های مختلف بودایی

نام میتریه در زبان هر یک از کشورهای بودایی تفاوت دارد. او را در کانون‌پالی، یعنی متون مقدس سنت هینه‌یانه، میته یا میته، و در کانون سنسکریت، میتری یا میتریه نامیده‌اند. در سنگ‌نوشته‌های یونانی - رومی دوره کوشانی در هند، از او به مترگو بوودو نام برده‌اند. او را به مغولی میدری، به چینی میلو، به کره‌ای میری‌نگ، به ژاپنی میروکو و به تبتی «بیام پا» یا «چم - پا» می‌خوانند (Kim, 1997: 9). همه این واژگان، به‌جز نام تبتی میتریه، از واژه سنسکریت میتریه یا میتری مشتق شده‌اند.

اما در تبت، واژه‌های مترادف با معنای میتریه یعنی «شخص مهربان» یا «آن‌که زنده است» را به کار برده‌اند و گاه نامی رمزی به او می‌دهند (Snodgrass, 1997: 245). در برخی از متون مذهبی تبت مانند «کاله چکره تنتره»، موعود بودایی را «کلکی» نامیده‌اند که عنوانی شناخته شده برای آخرین اوتاره ویشنو است. اطلاق کلکی به موعود بودایی در این کتاب، نشان از تأثیر آیین هندو بر متن این تنتره دارد که در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

تندیس میتریه در تاریخ کشورهای بودایی از قدیمی‌ترین تندیس‌ها به شمار می‌رود. تصاویر و تندیس‌های فراوانی از میتریه وجود دارد که نام او را در ذیل آن نوشته‌اند و حتی قدیمی‌ترین آثار مربوط به میتریه، به قرن اول قبل از میلاد می‌رسد (Kim, 1997: 9). میتریه از نظر هستی‌شناسی بودایی یک «بوداسف» به شمار می‌آید. «بوداسف» واژه‌ای ایرانی و معادل بودی‌ستوه سنسکریت است. این واژه هم به معنای کسی است که به دنبال روشن‌شدگی است و هم به معنای کسی است که به روشن‌شدگی و نیروان رسیده است، ولی از رفتن به نیروان کامل، یعنی پری نیروان (= مرگ) سر باز می‌زند تا دیگران را در راه روشن‌شدگی کمک کند.

این واژه نخستین‌بار در مجموعه متون جاتکه‌ها که داستان زندگی‌های گذشته بودا را در خود دارد، به عنوان لقب بودا مشاهده می‌شود. در آن‌جا بودا هنگامی که به زندگی‌های گذشته‌اش اشاره می‌کند، می‌گوید: «هنگامی که بوداسف بودم...» یعنی زمانی که هنوز خود به بوداگی و روشن‌شدگی نرسیده بودم، اما در راه رسیدن با این مقام، فاصله‌ای نیز نداشتم. (Schumacher, 1994: 46).

میتریه نخستین بوداسف و تنها بوداسف شناخته شده‌ای است که مورد پذیرش هر دو مکتب هینه‌یانه و مه‌یانه است

(Hawkins, 1999: 51). اولوکیتشورّه، منجوشیری و میثریه، سه بوداسف معروف آیین بودای تبت هستند.

اهمیت متون مقدس در آیین بودا

در آیین بودای اولیه، متون مقدس که درمه (یعنی آموزه‌های بودا) را در خود دارد، جانشین بودا انگاشته و از این‌رو در درجه اول اهمیت قرار می‌دادند، اما این سنت در آیین بودای مهاییانه رو به ضعف نهاد. در سوتّه چکهوتی (به سنسکریت: سوتره چکره ورتین) و همچنین سوتّه مهاییری نیروانه (سوتره مهاییری نیروانه)، در کانون پالی، آمده است که بودا جانشینی از میان شاگردان خود انتخاب نکرد و پیروانش را برای دوره پس از خود، به خود آیین یا همان درمه‌ای که به آنان آموخته بود، ارجاع داد. بودا در کتاب مهاییری نیروانه خطاب به شاگردش آینده می‌گوید:

ای آینده، ممکن است پس از من بعضی از شما چنین فکر کنید که سخنان استاد تمام شد، ما دیگر استاد نداریم؛ اما ای آینده، به سخن آنان توجه نکنید؛ زیرا آن‌چه را که من نشان دادم و به نام درمه و نظام [دیری] به شما آموختم، پس از من استاد شما خواهد بود.

همچنین، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، بودا ذات خود را با درمه یک حقیقت واحد می‌دانست:

کسی که درمه را ببیند مرا دیده است و کسی که مرا ببیند درمه را دیده است. (Cantwell, 2010: 91)

بدین ترتیب، طبیعی بود که پیروان او به این سخنان، اهمیت فراوان قائل شوند و سخنان او را به صورت شفاهی حفظ کنند. این سنت شفاهی که چند قرن پس از بودا نگارش یافت، در دست رهروان هینه‌یانه‌ای بدون شرح و تفسیر حفظ شد، ولی رهروانی که بعدها مکتب خود را مهاییانه نامیدند، به شرح و تفصیل آن سخنان و حتی افزودن تجربه‌های خود به آن مجموعه پرداختند. سخنان بودا در مراحل از تاریخ این آیین اهمیت بسیاری پیدا کرد و تجسم خود بودا و درمه او تلقی گردید. سخنان بودا نخستین‌بار در مجموعه‌ای به نام تی‌پیتکه یا «سه سبد» که به کانون پالی نیز مشهور است جمع‌آوری و مکتوب شد و برای نخستین‌بار نام میتریه، در این کانون آمده است و از این‌رو اندیشه موعود منجی در آیین بودا اصالت دارد.

میتریه در متون مقدس بودایی

نام میتریه برای نخستین‌بار در سوتّه چکهوتی (یعنی سوتره شاه جهان) در کانون پالی آمده است و از همین منبع به متون مقدس همه سنت‌های بودایی راه یافته و در همه سنت‌ها شناخته شده است. دیگر متن مهم هینه‌یانه‌ای که از میتریه یاد کرده است کتاب گفتار وقایع آینده است که به تفصیل، آمدن میتریه در آخرالزمان و اتفاقات مربوط به آن دوران را شرح می‌دهد (جعفری، 1390: 67). در مهاییانه نیز در اصلی‌ترین کتاب‌ها نام میتریه آمده است. مهم‌ترین سوتره مهاییانی یعنی سوتره گل نیلوفر از میتریه یاد کرده و آمدن او را پیش‌گویی نموده است (همو: 85). اما از کتاب‌های مهم وجره‌یانه در تبت، می‌توان از زمبسته نام برد که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تبتی است.

این کتاب یک فصل کامل و طولانی خود (فصل 22) را به توصیف تفصیلی دولت مبارک و توأم با صلح جهانی میتریه اختصاص داده است. در این متن، همانند تعدادی از متون سنت‌های دیگر، پیش‌گویی شده است که در آخرالزمان طول عمر بشر هشت‌هزار سال خواهد شد؛ هیچ گدا و دزدی وجود نخواهد داشت؛ هیچ بیماری و آتش‌سوزی در کار نخواهد بود؛ زمین با تمام قوا محصولات خود را بیرون خواهد داد ... ؛ در این هنگام میتریه به‌سان چهار بودای پیش از خود - کرچوکنده، کنکمون، کشیبه و گوتمه - خواهد آمد و با آمدن خود، چرخ آیین را به گردش درخواهد آورد (Snellgrove, 2000: 339).

همچنین کتاب دیگری به نام سوتره سم‌دینیرموچنه وجود دارد که از میتریه یاد کرده است. اصل این سوتره - که متنی تبتی است - یکی از آثار مهم فلسفه بودایی اصیل هندی است که به تبت راه یافته است. کانون اصلی این سوتره، سوالات میتریه است و مهم‌ترین آموزه‌های این کتاب، توسط میتریه مطرح شده و توسط بودا پاسخ داده می‌شود. این کتاب یکی از منابع مهم متنی برای مراقبه (مدی‌تیشن) به سبک هندی است و در آن شرحی بر آموزه‌های آرامش ذهنی و نگرش والا و نیز دیدگاهی قابل فهم از «راه بیداری»، آن‌چنان که از مکتب یوگاچاره ادراک می‌شود، آمده است. میتریه در این سوتره نشان می‌دهد که از بینش و بصیرت فراوانی بهره‌مند است و از درمه حقیقی و فلسفه نیروانه سخن می‌گوید. در فرازی از این سوتره میتریه سخنی می‌گوید که نشان از ادراک عمیق او نسبت به چهار حقیقت شریف و درمه دارد:

بوداها را می‌بینم؛ شیرمردان مقدس را که سوتره‌ها را که خوب، شگفت‌انگیز و والا هستند، تعلیم می‌دهند. ... تعلیم نیروانه برای آن‌هایی است که رنج می‌کشند یا نگران پیری، بیماری و مرگند، تا تمام رنج را به آخر برسانند. (Powers, 1998: 387) به این ترتیب ملاحظه می‌شود که میتریه در متون مختلف دینی بوداییان، به‌ویژه تبت کاملاً مطرح و تأثیرگذار بوده است.

کاله چکره تنتره و پیش‌گویی جنگ‌های آخرالزمانی

متنی تبتی به نام کاله چکره تنتره وجود دارد که در آن به نام برخی از انبیای الهی اشاره شده و از این‌رو مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. به دلیل اهمیت این متن، به طور جداگانه به آن می‌پردازیم. کاله چکره تنتره، متنی دینی و متعلق به سنت تنتری هند است که در قرن یازدهم میلادی نوشته شده و در مدت کوتاهی نسخه‌های آن به تبت رسیده است. از آن‌جا که اساس تعالیم این کتاب را دو آموزه «اندیشه بوداسفی» و «دلسوزی» به موجودات تشکیل می‌دهد مشخص شده است که متنی مهاییانی است (Hammar, 2005: 5). «کاله چکره» واژه‌ای سنسکریت به معنای «چرخه زمان» است و به الوهیت زمان اشاره دارد. آموزه اصلی کاله چکره، همانند دیگر تنتره‌های وجره‌یانی، اعمال مراقبه‌ای (نوعی عالی از مدی‌تیشن) و تفاسیری پیچیده از کالبد‌های مختلف بوداست.

برخی از استادان بودایی تصریح دارند که کاله‌چکره، پیشرفته‌ترین شکل تمرینات وجره‌یانه است. سنت کاله‌چکره، بر مدار و محوریت مفهوم زمان یا کاله و چرخه‌ها قرار دارد. این چرخه‌ها از چرخه‌ها و گردش سیارات گرفته تا چرخه‌های دم و بازدم را شامل می‌شود. این نظام، تمریناتی را درباره انرژی‌های بسیطی که در بدن انسان قرار دارد و در راه طریق اشراق بودایی مؤثر است، می‌آموزد. بخش الوهیت نظام کاله‌چکره، توصیف بودایی است که عالم مطلق است. از آن‌جا که کاله‌چکره، بخش مینوی و کمال زمان است، از همه چیز آگاه و لایتناهی است و در بند زمان نبوده و از سیطره آن خارج است (Ibid: 40).

کاله‌چکره در تبت رواج داشت و در قرن چهاردهم که مغول‌ها به آیین بودا گرویدند، سنت کاله‌چکره در میان آن‌ها نیز رواج پیدا کرد. امروزه دالایی لاما و دیگر لاما‌های تبتی این سنت را به شدت در غرب رواج می‌دهند و مراسم کاله‌چکره هر چند سال یکبار در کشوری برگزار می‌شود. برای مثال، در آوریل سال 2004 در شهر تورنتوی کانادا برگزار شد و هشت هزار نفر به دست دالایی لاما به مکتب کاله‌چکره درآمدند. در ژانویه 2006 در شهر امروتی هند صد هزار نفر، در جولای 2011 در واشینگتون امریکا هشت هزار نفر و در ژانویه 2012 در شهر بودگیای هند دویست هزار نفر به همین طریق به دست دالایی لاما به مکتب کاله‌چکره وارد شدند. این مراسم، تشریفات ساده‌ای دارد و دالایی لاما مدعی است که با چنین تشریف ساده‌ای افراد را تحت عنایت معنوی خود درمی‌آورد.

گفتنی است شعار دالایی لاما در برگزاری گسترده این مراسم، حمایت از صلح جهانی است، اما در متن مقدس کاله‌چکره، یعنی کتاب کاله‌چکره تنتره - که این مراسم بر مبنای آموزه‌های آن متن ترتیب یافته است - به یک نبرد آخرالزمانی میان لشکر اسلام و بوداییان اشاره شده و به نوعی تبلیغ تلویحی علیه اسلام بدل گردیده است. برای ارائه تصویری درست از محتوای این متن، بهتر است بررسی خود را از قطعه 150 کاله‌چکره تنتره شروع کنیم. این قطعه، توصیفی ارائه می‌کند از این‌که شامبالا - شهر افسانه‌ای بوداییان تبتی که معتقدند کلکی‌ها (موعودهای آخرالزمانی) در آن‌جا ساکنند - در کجای کیهان‌شناسی بودایی قرار دارد و توضیح می‌دهد که در مرکز ناحیه «جمبودویپه» (نیزار)، کوهی به نام کیلاشه وجود دارد و شامبالا که دارای ده میلیون آبادی است در سمت راست این کوه است.

این قطعه می‌گوید تعداد ده عدد از تجلیات بودا با نام کلکی وجود دارند که در عین حال، اوتاره‌های ویشنو (مهم‌ترین خدای هندوان) نیز هستند. هامبر که شرحی بر کاله‌چکره تنتره دارد می‌گوید: «این قطعه تأییدی بر نفوذ ویشنوپرستی در متن کاله‌چکره است» (Ibid: 82). سپس این قطعه از شاهی به نام چکره‌پانی صحبت می‌کند که دشمن دیوانی است که به دنبال حکومت هستند. چکره‌پانی صد سال به عنوان بیست و سومین شاه بر شامبالا حکومت خواهد کرد. این شاه قرار است با ملیکا - شاه بربرها - بجنگد. قطعه بعدی یعنی قطعه 154 نیز بسیار مهم و مورد توجه شرق‌شناسان مشهوری مانند نیولی، اوروفینو و هوفمان قرار دارد (Hoffman, 1969: 52-73). در این فراز، مجموعه‌ای از چهره‌ها آورده شده‌اند که در خدمت مارهای اهریمنی هستند.

این افراد عبارتند از: آدم، نوح، ابراهیم، عیسی (فرد سفیدپوش)، و محمد(ص)(متنهانی) که در بعضی نسخه‌ها (مدهوماتی) نیز گفته شده است. این متن پیش‌گویی می‌کند که محمد(ص) در بغداد، در کشور مکه زاده خواهد شد؛ زیرا فرض کتاب بر آن است که این سخنان، نه در قرن یازدهم میلادی، بلکه در قرن پنجم قبل از میلاد، توسط بودا به شاه شامبالا گفته می‌شود. محمد(ص) و تعالیم او به عنوان تعالیمی که در مقابل تعالیم بودایی قرار دارند قلمداد شده و کلکی - یعنی همان میتریه - با لشکر اسلام به نبرد خواهد پرداخت. قطعه 155 نیز ادامه می‌دهد که بربرها کشندگان شتران، اسب‌ها و گاوها [ی مقدس] هستند. قطعه 156 این کتاب نیز تأییدی بر تأثیرپذیری شدید این متن از آیین هندو است و می‌گوید: «بودا در واقع، متون وداها (کتاب مقدس هندوان) را تعلیم می‌داده است» (Hammar, 2005:82-83). محقق دیگری به نام والاس همه این فرایندها را به نوعی توجیه معنوی می‌کند و به تأویل می‌برد.

به باور او، این بخش از متن کاله‌چکره، باطن فرد را به عنوان یک میدان جنگ ترسیم می‌کند که در آن، جنگی میان شاه چگری و بربرها در سرزمین مکه واقع خواهد شد. طبق متن روشن است که آغاز این جنگ در داخل بدن فرد اتفاق می‌افتد. در این نبرد، کلکی نه به معنای موعود منجی آخرالزمان بلکه به معنای «معرفت درست»، و کرنامارتی موجودی شرور در داخل بدن است. بازوی کرنامارتی که شامل چهار طبقه «ماره» در داخل بدن است، توسط نادانی معنوی (ادیدیه) هدایت می‌شود. پیروزی کلکی در نبردش برای به دست آوردن رهایی (مگشه) است. بنابراین طبق نظر این محقق، از بین رفتن اشوتاما (نادانی معنوی یا لشکر اسلام) به معنای ریشه‌کن شدن ترس از هستی چرخه‌ای است و این نبرد را کاملاً می‌توان نبردی باطنی دانست (Wallace, 2001: 147).

نقد و بررسی محتوای پیش‌گویانه کاله‌چکره

کاله‌چکره تنتره متنی متأخر و مربوط به قرن یازدهم میلادی است. در این زمان، شمال هند به تسخیر فاتحان مسلمانی مانند سلطان محمود غزنوی درآمده بود. سلطان محمود غزنوی که به نام جهاد به هند حمله کرد، در طول سی سال حکومت خود در آن کشور، هیچ مسجد یا مرکز علمی خاصی تأسیس نکرد و نشان داد که بیش از آن‌که به دنبال ترویج اسلام باشد مشتاق کشورگشایی و جمع ثروت است (همدانی، 1362: ج 1، 93). انعکاس رفتار این جهانگشایان در متن کاله‌چکره و چند متن دیگر

انعکاس یافته است. از جمله متنی ختنی و متنی اویغوری به نام اینسادی سوتره است که افول بخت و اقبال آیین بودا را به خاطر پیروزی‌های لشکر اسلام پیش‌گویی کرده و نیز گفته است که میتربه به زودی خواهد آمد و لشکر اسلام را شکست خواهد داد (Scott, 1995: 143).

از دیگر نمونه‌های آمیختگی آیین بودا در تبت که به تبع آن جایگاه میتربه نیز دستخوش تحول می‌شود، آمیختگی آن با مفاهیم هندویی است. برای مثال، در نسخه‌ای تبتی از وصف دوران ظهور میتربه آمده است:

سرانجام همه مردم روی زمین پیرو میتربه خواهند شد، حتی [موجودات آسمانی مانند] دیوها، گندروه‌ها، یکشه‌ها و رکشسه‌ها او را خواهند پرستید. بله، حتی خدایانی مانند برهما و ایندرا او را خواهند ستود. مردم از وهم و مایا خواهند رست و به زندگی مقدسی رهنمون خواهند شد. (Chitkara, 1999: 443)

به این ترتیب، با مقایسه متون اصیل بودایی که در کانون پالی و سوتره‌های مهاییانی آمده است، بر آن چه در دو متن کاله چکره و اینسادی سوتره بیان شده است به نتایج ذیل می‌رسیم:

1. رویارویی نظامی به‌ویژه با لشکر اسلام، یا هر گونه دین الهی در متون اصیل بودایی نیامده و از افزوده‌های بعدی به این متون است.

2. اطلاق «کلکی» به جای میتربه نیز اندیشه‌ای متأخر و مخصوص متون متأخر تبتی بوده و نشان از آمیختگی اندیشه‌های بودایی و هندو دارد؛ پس اندیشه‌های اصیل نیست.

3. بیان این مطلب که بودا محتوای وداها را تعلیم می‌داده است با حقایق تاریخی و گواهی اکثر متون مقدس سنت‌های هینه یانی و مهاییانی سازگار نیست و ثابت می‌کند که محتوای کاله چکره، نه اندیشه‌ای خاص از آیین بودا، بلکه حتی نوعی بدعت در سنت بودایی است و گرایش به بازگشت به آیین هندو دارد.

4. سرانجام می‌توان چنین نتیجه گرفت که نویسنده یا نویسندگان کاله چکره تتره درصدد تلفیق اندیشه‌های بودایی و هندو بوده‌اند و این تلفیق شتاب‌زده را به بودای تاریخی نسبت داده‌اند که با شواهد تاریخی و حتی شواهد درون دینی دیگر سنت‌های بودایی سازگار نیست.

5. رفتار تهاجمی و غیردینی کشورگشایان مسلمان، مانند محمود غزنوی و اسلاف و اخلاف وی، در به‌وجود آمدن چنین دیدگاه‌هایی مؤثر بوده است.

6. با وجود اصالت نداشتن دیدگاه رویارویی آیین هندو با اسلام، امروزه این نظریه شرایط مساعدی برای رشد داشته و می‌تواند به وسیله‌ای برای جریان‌ات ضد اسلامی بدل شود.

کتاب‌های منسوب به میتربه نائمه مجموعه کتاب‌هایی است که از عصر اسنگه، بنیانگذار مکتب یوگاچاره، به میتربه نسبت می‌دهند. اسنگه در آثارش مدعی است که این کتاب‌ها تعالیم میتربه هستند که او در حالتی مکاشفه‌گون آن‌ها را دریافت کرده است (Prebish, 2006: 169). این کتاب‌ها که به عقیده گنزه باعث عمومیت یافتن میتربه‌گرایی در بین سال‌های 400 تا 650 میلادی به‌ویژه در چین شد (Conze, 1954: 60)، بر سراسر اندیشه مهاییانی پس از خود به‌ویژه تبت تأثیر گذاشته و هم‌اکنون نیز مورد توجه است. به دیگر سخن، امروزه یکی از مجموعه کتاب‌هایی که در تبت به صورت متن درسی در دیرها تدریس می‌شود و انواع خاصی از مراقبه (مدی‌تیشن) بر اساس تعالیم آن تنظیم شده، همین مجموعه منتسب به میتربه است.

می‌گویند سیدارته گنمه، بنیانگذار آیین بودا با نخستین موعظه‌اش در باغ آهو، نخستین گردش چرخ آیین را در هند موجب شد. در این دوره ناگارجونه (15-250 م.) مکتبی به نام راه میانه یا مادیمیکه را بنیانگذاری کرد که به لحاظ اهمیت سرشار آن، دومین گردش چرخ آیین شمرده شد. و اما سومین گردش چرخ آیین نیز با شکل‌گیری مکتبی بود که یوگاچاره یا ویجینیانه‌واده نام گرفت. یوگاچاره بر عمل دیانه تأکید می‌کرد و تلفیق‌کننده آموزه‌های مهاییانه با آموزه‌های مکتب ابی‌دمه آغازین به شمار می‌رفت. پس از دوره ناگارجونه - یعنی قرن سوم میلادی - دوره جدیدی با نام میتربه، اسنگه و وسوبندو آغاز می‌شود که تا ابتدای قرن پنجم ادامه دارد.

این دوره، دوره دوم آیین بودای مهاییانه و به لحاظ اهمیت آن، سومین گردش چرخ آیین شمرده شد. اسنگه که به گفته خودش دوازده سال از عمرش را یکه و تنها در غاری به مراقبه‌ای بی‌حاصل سپری کرده بود، در اوج ناامیدی موفق به دیدار میتربه می‌گردد. میتربه بر او ظاهر می‌شود و او را به بهشت «توشیته» برده و به او آثاری را که تا آن زمان ناشناخته بود، القا می‌کند. به طور دقیق روشن نیست که چه بخش‌هایی از آثار یوگاچاره به‌طور مستقیم از تعالیم میتربه گرفته شده است؛ زیرا سنت‌های چینی و تبتی، کتاب‌ها و آثار مختلفی را به میتربه نسبت می‌دهند، ولی پنج کتاب معروف منسوب به میتربه عبارتند از:

1. آرایه ادراکات (متنی درباره راه پرگیاپارمینا)؛

2. بازشناسی [راه] میانه، از افراط و تفریط؛

3. ادراک درمه‌ها و سرشت واقعی آنان؛

4. آرایه‌ای بر سوتره‌های مهاییانی؛

5. تعالیم بوداسرشتی (Williams, 2000: 155).

سه کتاب میانی، اساس مکتب یوگاچاره است که به دلیل اهمیت و تأثیر زیاد این مکتب بر اندیشه‌های پس از خود، سومین گردش چرخ آیین شمرده شد و در تبت نفوذ بسیاری پیدا کرد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت آیین بودا در تبت با نام میتربه و این

پنج کتابی که ذکر شد شناخته شده است.

برخی از دانشمندان معاصر، میتریه را انسانی واقعی و معلم اسنگه فرض می‌کنند، ولی از ادعای خود اسنگه به‌ویژه عروج او به آسمان توشیته و صحبت‌های طولانی‌اش با میتریه، به روشنی درمی‌یابیم که مقصود او ارتباط با میتریه _ موعود منجی در آیین بودا _ بوده است. آخرین کتاب‌هایی که امروزه در محافل علمی غرب از آیین بودای تبت مطرح است، آثار میتریه و شرح‌های اسنگه به آثار اوست. اهمیت این مطلب تا آن‌جاست که برخی از محققان معتقدند آیین بودای تبتی، چیزی جز بسط مکتب یوگاچاره _ یعنی آموزه‌های میتریه _ نیست. از این‌رو آیین بودای تبتی، بیش از آن‌چه در بدو امر به نظر می‌رسد، وامدار آموزه میتریه است (Bhattacharyya, 1989: 66).

منابع

- _ پاشایی، ع، تاریخ آیین بودا (هینه‌یانه)، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، 1380 ش.
- _ تودل، باردو، کتاب تبتی مردگان، ترجمه: مهران کندی، تهران، انتشارات میترا، 1376 ش.
- _ جعفری، ابوالقاسم، منجی موعود در آیین بودا، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، 1390 ش.
- _ شومان، هانس وولفگانگ، طرح تعالیم آیین بودا، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، نشر فیروزه، 1375 ش.
- _ همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، تصحیح: احمد آتش، تهران، دنیای کتاب، 1362 ش.
- _ هینلز، جان، ادیان زنده شرق، ترجمه: جمعی از مترجمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، 1389 ش.
- Aronson, Harver B, Motivations to Social Action in Theravada Buddhism, Journal of Studies in the History of Buddhism, 1997
- _ .Bhattacharyya, Benoytosh, An Introduction to Buddhist Esoterism, Delhi, motilal Banarsidass, 1989
- _ .Cantwell, B, Buddhism the Basics, Routledge, 2010
- _ .Chitkara, M.G, Encyclopedia Of Buddhism, New Delhi, Ram Atma Assisted, 1999
- _ .Conze, Edward, Buddhist Texts Through the Ages, Harper & Row Publisers: 1954
- _ .Buddhist Scriptures, Penguin Books: 1959 , -----
- _ .Eliade, Mircea, The Ency. of Religions, New York, 1987
- _ .Elverskog, Johan, Buddhism and Isma on the Silk Road, University of Pensilvania Press, 2010
- _ .Evans-Wentz, W.Y., The Tibetan Book of Greet Liberation, Oxford University Press, 1954
- Geavy, David and Others, Cross-disciplinary Perspectives on a Contested Buddhist Site, Routledge: 2012
- _ .Hammar, Urban, Studies in the Kalacakra Tantra, Akademistryck, Edsbrak, Stockholm, 2005
- _ .Hawkins, Bradely, Buddhism, Routledge, 1999
- Hoffman, Helmut, Kalacakra Studies, I. Manicheism, Christianity, and Islam in the Kalacakra Tantra, Central Asian Jurnal 13, 1969
- _ .Hookam, Shenpen, the Buddha Within, New York Press, 1991
- _ .Kim, Inchang, The Future Buddha Maitreya, New Delhi, D.K.Printword 1997
- Lancaster, Lewis, Maitreya, In The Encyclopedia of Religion, ed. Mircea Eliade, vol. 9. New York: Macmillan, 1987
- _ .Nithyanandam, N.V, Theistic Buddhism .Pub, 1989
- _ .Powers, John, A Bull of a Man, Harvard University Press, U S A, 1998
- Prebish, Charles S. & Keown, Damien, Buddhism, Journal of Buddhist Ethics, Online Books, Ltd. 2006
- _ .Roemer, Stephenie, the Tibetan Government-in Exile, Routledge, 2008
- Schumacher, Stephan & Woerner, Gert, The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion, Shambhala, Boston: 1994
- Scott, David, Buddhism and Islam: Past to Present Encounters and Interfaith Lessons, Numen, Vol. 42, No. 2, May, 1995
- _ .Snodgrass, Adrian, Matrix and Diamond World Mandalas, Delhi, Aditya Prakashan, 1997
- _ .Snellgrove, David, Indo- Tibetan Buddhism, New York, Shambhala, 2000
- _ .Wallace, A. Vensa, the Inner Kalacakratatra, Oxford University Press, 2001
- _ .Williams, Paul, Buddhist Thought, London & new York, Routledge, 2000
- Zopa Rinpoche, Eight Prayers to Benefit the Dead, Foundation for the Preservation of the Mahayana Tradition, U S A, 2007

نویسندگان:

علی موحدیان عطار، ابوالقاسم جعفری

فصلنامه مشرق موعود شماره 28